

ORIGINAL ARTICLE

انعکاس تاریخ پزشکی پیش از اسلام در ماوراءالنهر و خوارزم بر متون پزشکی تمدن ایرانی و اسلامی

Reflection of Pre-Islam Medical History of Transoxiana and Chorasmia in Medical Texts of Islamic-Iranian Civilization

Seyyed Alireza Golshani¹, Javad Abbasi², Mohamad Taghi Imanpour³, Seyyed Abulghasem Foroozani⁴

1- Ph.D. Student, Department of History, Faculty of Literature and Humanities- Dr. Ali Shariati, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran/
Research Office for the History of Persian Medicine, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

2- Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities- Dr. Ali Shariati, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad,
Iran

3- Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities- Dr. Ali Shariati, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

4- Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Shiraz University, Shiraz, Iran

Correspondence: Javad Abbasi; Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities- Dr. Ali Shariati, Ferdowsi
University of Mashhad, Mashhad, Iran;
abbasiran@yahoo.com

Abstract

The civilization background of Transoxiana and Chorasmia in the ancient era is of utmost grandeur to the extent that the region is known as the origin of Aryan-Iranian civilization. In addition, both can also be regarded as the land where Iranian medical science originated based upon mythological traditions. Languages including Avestan, Khwarezmian, and Sogdian emerged in Transoxiana and Chorasmia during a long period of time in the past, leading to a variety of scientific, medical, literary, religious and many other works. Indeed, these languages are various branches of Iranian Middle Eastern languages used to be spoken by Iranians. Given their significance as a tool for transmission of culture, knowledge, literature, trade and medicine to the adjacent people, particularly Turks, Chinese, Indians and Central Asians. After the fall of Achaemenid Empire in the fourth century B.C., Greeks, Yuezhi, Kushan Empire, Sasanian Empire, Hephthalite Empire and Turks ruled over Transoxiana and Chorasmia, which were then ceded to the Arabs. Meanwhile, the Chorasmian language became extinct after Arabs' dominance whereas Avestan and Sogdian languages survived until the 10th century and were then substituted by Dari Persian. The present study was conducted aiming to examine all remaining medical texts in Avestan, Sogdian, Chorasmian works as well as their effects on medical texts written in Dari Persian and Arabic during the Islamic-Iranian civilization.

Key words: Medical Texts, Avestan, Sogdian, Chorasmia, Persian Medical Texts, Transoxiana and Chorasmia

Received: 2 January 2018; Accepted: 5 May 2018; Online published: 30 May 2018

Research on History of Medicine/ 2018 May; 7(2): 69-80.

سیدعلیرضا گلشنی^۱

جواد عباسی^۲

محمدتقی ایمان پور^۳

سید ابوالقاسم فروزانی^۴

۱- دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام،
دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی،
دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران / دفتر مطالعات
تاریخ پزشکی ایران، دانشگاه علوم پزشکی شیراز،
شیراز، ایران

۲- دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دکتر علی شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد،
مشهد، ایران

۳- استاد تمام گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم
انسانی دکتر علی شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد،
مشهد، ایران

۴- استاد تمام گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم
انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

نویسنده مسئول: جواد عباسی، دانشیار گروه تاریخ، دانشکده
ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد،
مشهد، ایران

jabbasi@um.ac.ir



خلاصه مقاله

پیشینه تمدنی ماوراءالنهر و خوارزم در دوران باستان بسیار شکوهمند است، چنانکه این سرزمین را خاستگاه شکل گیری تمدن آریایی و ایرانی می دانند. همچنین می توان آن را خاستگاه شکل گیری دانش پزشکی ایرانی بر مبنای سنن اساطیری در این جغرافیای منطقه ای نیز برشماریم. زبان های اوستایی، خوارزمی و سغدی در برهه ای طولانی در ماوراءالنهر و خوارزم شکل گرفت و از خود آثار گوناگون علمی، پزشکی، ادبی، دینی و غیره به یادگار گذاشت. در واقع این زبانها شاخه ای از زبانهای ایرانی میانه ای شرقی است که زمانی مردمانی ایرانی تبار بدان سخن می گفتند. این زبانها به سبب اهمیت خود به عنوان ابزار انتقال فرهنگ، دانش، ادب، تجارت و پزشکی به مردمان همسایه، به ویژه ترکان، چینی ها، هندیان و آسیای مرکزی به شمار می آمده است. پس از سقوط امپراتوری هخامنشی در سده ی چهارم پ.م. بر ماوراءالنهر و خوارزم، به طور متوالی، یونانیان، یوئه چی ها، شاهان کوشانی، ساسانیان، هفتالیان و ترکها فرمان می راندند و سرانجام تسلیم اعراب شدند. در این میان زبان خوارزمی با حمله اعراب برای همیشه متروک شد، اما زبان اوستایی و زبان سغدی تا حدود قرن دهم میلادی ادامه حیات داد. این پژوهش به بررسی تمامی متون باقیمانده دانش پزشکی در آثار اوستایی، سغدی و خوارزمی و همچنین تاثیر این زبانها بر متون پزشکی فارسی و عربی در تمدن ایرانی-اسلامی می پردازد.

واژگان کلیدی: متون پزشکی، اوستایی، سغدی، خوارزمی، متون پزشکی فارسی، ماوراءالنهر، خوارزم

مقدمه

ماوراءالنهر و خوارزم در شمال شرقی ایران را باید خاستگاه نخستین پزشکی و طب ایرانی بدانیم. در متون اوستایی نیز ادعای شکل گیری دانش پزشکی وجود دارد، چنانکه بر پایه نوشته های اوستا، آغاز پزشکی در ایران از ایران ویج (eranwez)، خاستگاه آریاییان، است. شخصی به نام «تریته»، «تریته» (Thrita) یا ترائونا (Thraetaona) از خاندان سامه و در اوستا ساما (Sama) یا «ثراتون» یا «تریته» و در ودا «ترای تنه» در متون پهلوی فریتون و در فارسی فریدون از خوارزم به عنوان نخستین درمانگر یا پزشک است.¹

بر مبنای متن وندیداد باب بیستم در فقره اول و دوم: «زرتشت از اهورامزدا سوال کرد کیست در میان دانایان و پرهیزگاران و توانگران و پیشوایان که تندرستی دهنده و باطل کننده جادو و زور آور که بیماری و مرگ و زخم نیزه پران و گرمای تب را از تن مردم قطع کرد؟» اهورامزدا در پاسخ فرمود: «ای سپیتمان زرتشت، تریته (Thrita) در میان مردم و پرهیزگاران و پیشوایان اولین فردی است که تندرستی دهنده و باطل کننده جادو و زور آور که بیماری را و مرگ و زخم پران و گرمای تب را از تن مردمان دور نماید.»² در فقره سوم آمده است: تریته طیب برای درمان تجسس کرد و از فلزات درمان برای مقابله با درد و مرگ بی هنگام و سوختن و تب و سردرد و تب لرزه و مرض آژانه و بیماری اژوهه و بیماری پلید و مارگزیدن و بیماری دورکه و بیماری ساری و نظر بد و گندیدگی و کثافت که اهریمن در تن مردم آورد، بدست آورد. بعلاوه در کتب مقدس زرتشتیان آمده است که: «اهورامزدا کاردی مرصع به تریته عنایت کرد تا با آن عمل جراحی انجام دهد.» از آن گذشته تریته از خواص گیاهان دارویی و عصاره و فشرده آنها اطلاع داشته است.³

به هر حال معروف چنین است اول فردی که به درمان و تداوی بیماران پرداخته تریته است که آریانها مخصوصا هندیها او را خوب می شناختند و دستورهایش را در کشور آریان پیروی می نمودند. در فروردین یشت فقره ۱۳۱ آمده است که: «فروهر پاک دین فریدون از خاندان آبتین را می ستاییم از برای ایستادگی بر ضد گری و تب سرد.» اما کلمه تریتا که هندیان از آن یاد می نمایند و در اوستا به نام تریته آمده، بنظر می رسد همان فریدون است.⁴ (سیزدهمین یشت اوستا، فروردین یشت، بخش بیست و نهم، فقره ۱۳۱). تشابه نام فریدون و خاندانش در اوستا و «ودا» می رساند که احتمالاً زمان او مربوط به قبل از جدا شدن آریایی ها از هندوان است. بنا بر مندرجات اوستا فریدون

- 1- Zarshanas, 2006: 218.
- 2- Doostkhah, 1992: 2/875.
- 3- Ibid, 1992: 2/875-876.
- 4- Ibid, 1992: 1/426.



(تریته) به عنوان اولین طبیب به حساب می آید.

بعد از هخامنشیان زبان اوستایی در ماوراءالنهر و خوارزم به فراموشی سپرده شد و تنها خط اوستایی در متون زرتشتی در دوره اشکانیان و ساسانیان و بعد از آن باقی ماند.⁵

اما دو زبان سغدی و خوارزمی همواره در کنار همدیگر بودند و این دو زبان در واقع از شاخه های زبان های ایرانی میانه شرقی هستند که از سده نخست تا سیزدهم میلادی، مردم ایرانی تبار در محدوده ی جغرافیایی، از دریای سیاه تا چین بدان تکلم می کردند. وجوه مشترکی میان زبان سغدی و خوارزمی با زبان های ختنی، اوستایی و بلخی وجود دارد. این دو زبان به لحاظ تنوع و حجم آثار از مهمترین زبان های ایرانی میانه شرقی به شمار می رود و این سبب جلب نظر زبان شناسان و تمرکز آن ها بر این دو زبان در این منطقه شده است. گرچه ابوریحان بیرونی هزار سال پیش در لفافه از نام روزها، ماه ها و جشن های سغدی و خوارزمی یاد کرده بود، با این حال تا سده اخیر، پیش از کشف گنجینه ترفان در قرن نوزدهم در ترکستان چین، زبان سغدی ناشناخته بود و زبان خوارزمی نیز با تلاش های زکی ولیدی طوقان (۱۸۹۰-۱۹۷۰ م) مورخ ترک و ترک شناس معرفی گردید. پس از کشف زبان سغدی توسط آندریاس، گروه های اکتشافی در طی سالیان متمادی آثار مکتوب فراوانی را در همان نواحی کشف کردند و به موزه های معتبر دنیا انتقال دادند و دانشمندان به مطالعه و بررسی و ترجمه متون پرداختند. اشیاء یافته شده و اسناد مکتوب حاکی از آن است که محدوده جغرافیای سغد و خوارزم دستخوش تغییرات بسیاری بوده و بخشی از تاریخ سغد و خوارزم تقریباً ناشناخته مانده است. قوم سغد در هزاره دوم پیش از میلاد ساکن سمرقند و اطراف رود زرافشان بودند و محدوده آن در هزاره اول پیش از میلاد تا ناحیه دو رود سیحون و جیحون گسترش پیدا کرده بود و اقوام خوارزمی نیز در جنوب دریاچه آرال و دلتای جیحون بودند. سغدی ها و خوارزمی ها در سده های ششم تا چهارم پیش از میلاد، از توابع هخامنشیان بودند. در حمله اسکندر و تاراج سمرقند که موجب پراکندگی اقوام سغد شد؛ عده ای به سمت شرق مهاجرت کردند و در مسیر جاده ی ابریشم ساکن شدند و عده ای دیگر در سرزمین خود ماندند و حکومت های ملوک الطوائفی تشکیل دادند. آنها از گزند مهاجمان در امان نبودند و گاه زیر فرمان و گاهی زیر نفوذ حکومت های مجاور، نظیر شاهنشاهی کوشان (در سده های یکم و دوم م.)، شاهنشاهی ساسانیان (سده ۳ م.)، فرمانروایی هپتالیان/ هیاطله (سده های ۶ و ۷ م.)، ترک های غربی (سده های ۷ و ۸ م.) و چینیان (سده های ۷ و ۸ م.) اداره شده اند. با وجود این، به نظر می رسد که تا پیش از چیرگی اعراب در سده ی هشتم میلادی آن ناحیه از استقلال نسبی در حکومت برخوردار بوده است اما با این حال همچنان تاثیر قابل توجهی در فرهنگ، تمدن، دانش پزشکی و اقتصاد داشته اند.⁶⁻¹¹ (تصویر ۱)

- 5- Zarshanas, 2003: 22.
- 6- Henning, 1945: 471.
- 7- Andreas., 1934: 911.
- 8- Dehghan, 2002: 132.
- 9- Borjian, 1998: 340.
- 10- Abulghassemi, 2006: 127-128.
- 11- Gharib, 1997: 252-254.



تصویر ۱. جغرافیای سغد و خوارزم.

اسنادی که به زبان سغدی در غاری در تون هوانگ یا تورفان در ایالت سینگ کیانگ چین یا ترکستان شرقی در فاصله سالهای ۱۸۹۳ تا ۱۹۰۵ از سوی هیئت‌های باستان‌شناسی آلمان، روسیه و فرانسه کشف شد، در کنار آثار دینی و مذهبی بودایی به زبان سغدی، متونی غیر دینی نیز به زبان سغدی وجود داشته است. این متون شامل نامه‌های باستانی، اسناد اداری، اقتصادی و حقوقی است. تعدادی متون پزشکی و ادعیه درمانی نیز وجود داشته است.¹² در این پژوهش پس از بررسی دو متن پزشکی سغدی که به تازگی ترجمه شده و اشاره و بررسی زوایای تاریک زبان و ادبیات خوارزمی، به بررسی زبانی سغدی و خوارزمی در کلماتی که در متون طبی بکار رفته پرداخته و در نهایت به بررسی متون پزشکی تمدن ایرانی در دوره اسلامی و تاثیر متون پزشکی سغدی و خوارزمی بر روی این آثار می پردازیم. (تصویر ۲)

12- Zarshanas, 2011: 16.

13- Zarshenas & Asgari, 2010: 10.



تصویر ۲. متن سغدی.

متون پزشکی سغدی

قطعه‌های سغدی مجموعه آسیای مرکزی مؤسسه شرق‌شناسی فرهنگستان علوم روسیه صد و بیست قطعه را دربرمی‌گیرد که تاریخ آن‌ها را بین سده‌های ۸ و ۹ میلادی دانسته‌اند. این قطعه‌ها را چهار مجموعه‌دار به نام‌های کوخانفسکی، کراتکف، الدنبرگ و رابوروفسکی، میان سال‌های ۱۹۰۷ تا ۱۹۱۵ از مناطق مختلف ترکستان شرقی گرد آورده‌اند. موضوع بیشتر این قطعه‌ها به دو فرهنگ دینی بودایی و مانوی مربوط است. این دست‌نوشته‌ها هم‌اکنون در موزه علوم سن پترزبورگ (لنینگراد سابق) نگهداری می‌شود. متن پزشکی یافت شده مربوط به راهنمای درمان بواسیر می‌باشد.¹³

این قطعه، پاره‌هایی از قطعه ۴۷ و ۴۸ که یک برگ دست‌نوشته نازک زردرنگ و با مرکب سیاه و با خطی بسیار ناخوانا نوشته شده است. قطعه ۴۸ بسیار آسیب دیده است و متن آن افتادگی دارد. هر دو قطعه بر روی کاغذ پوستی چسبانده شده‌اند.

قطعه ۴۷: ۱۳×۳/۵ س؛ از حاشیه چپ دست‌نوشته، ۸ سطر ناقص.

قطعه ۴۸: ۱۳×۱۳/۵ س؛ از حاشیه راست دست‌نوشته، ۷ سطر ناقص.

پرفسور نیکلاس سیمز ویلیامز (Nicholas Sims-Williams) استاد تاریخ و زبانهای آسیای میانه، این قطعه را متنی درباره شیوه درمان بواسیر در هند (راهنمای درمان بواسیر) می‌داند. صورت سغدی واژه بواسیر، 'IS X' در قطعه ۴۸ سطر ۷ آمده است. این قطعه‌ها که دو سمت راست و چپ یک برگ‌اند، مستقیماً به یکدیگر متصل نمی‌شوند، اما می‌توان آنها را به صورتی که سطر ۱ قطعه ۴۸ مقابل سطر ۳ قطعه ۴۷ باشد، در کنار هم قرار داد. صورت بازسازی شده این دست‌نوشته نشان می‌دهد که آنها پس از تاخوردگی پاره شده‌اند. این متن پزشکی یگانه سند غیردینی این مجموعه است. خانم پرفسور



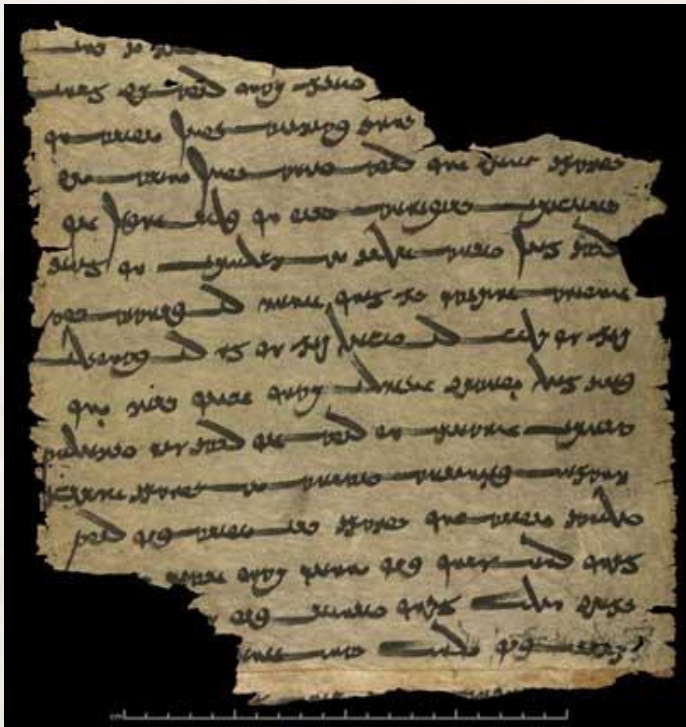
۱. ن. راگوزا (A. N. Ragoza) دانشمند روسی مطالعات آسیای میانه نیز با در نظر گرفتن نوع کاغذ و متن آنها این دو قطعه را بخشهایی از یک برگ دست نوشته دانسته است. قرائت و ترجمه راگوزا از این دو قطعه بعد از قرائت سیمز ویلیامز است.¹⁴

14- Zarshenas & Asgari, 2010: 172-173.

15- Rasuli, 2010: 120.

متن سوتره پدمه چیتته منی

خواندن دعای سوتره پدمه چیتته منی که یک متن از سغدی بودایی است، در باب داروی شفا بخش چشم و روش کاربرد آن و فواید و نتایج محیرالعقول استفاده از آن در مدت ۹ هفته، ۱۰ هفته، ... تا ۲۱ هفته است و نیز در باب دهرمه آذر-ام و روش استفاده از آن است که متن "بودی ستوه اریاولوکی تیشوره" برای موفقیت در کارها و امور مختلف و چیرگی بر دشمن آن را بیان می کند. در پایان آن هم متن "سوتره بودی ستوه اریاولوکی تیشوره" فواید درک و از بر کردن دهارنی را به اختصار به عرض بودا می رساند و بودا نیز او را تحسین می کند. چند قطعه دیگر سغدی نیز ترجمه بخش های کوچکی از این سوتره اند.¹⁵ (تصویر ۳)



تصویر ۳. متن سغدی.

متون خوارزمی

ابوریحان بیرونی (۹۷۳-۱۰۴۸ م) محقق، دانشمند و تاریخ نگار ایرانی در کتاب «آثار الباقیه عن القرون الخالیه» خود اطلاعات مفیدی در مورد خط و زبان خوارزمی که زبان مادری خود می باشد می دهد، چنانکه در مورد فتوحات اعراب به فرماندهی قتیبه بن مسلم باهلی (۶۶۹-۷۱۶ م) سردار عرب در خوارزم می نویسد: «چون قتیبه بن مسلم دگر بار خوارزم را پس از مرتد شدن اهالی آن فتح کرد، اسکجموک پسر از کاجوار را بر ایشان حاکم گردانید. قتیبه هر کس که به خط خوارزمی آگاه و از احوال ایشان مطلع بود، به کلی معدوم الاثر کرد و ایشان را در نواحی مختلف متفرق ساخت و لذا اخبار و اوضاع ایشان به درجه ای مخفی و مستور مانده است که به هیچ وجه، وسیله ای برای شناختن حقایق امور در آن کشور بعد از ظهور اسلام در دست نیست». همچنین در ادامه می گوید: «و چون قتیبه بن مسلم نویسندگان ایشان (خوارزمیان) را هلاک



کرد و هیربدان ایشان را بکشت و کتب و نوشته‌های آنان را به آتش کشید، اهل خوارزم بی‌سواد ماندند و در امور مورد نیاز فقط به محفوظات خود اتکا کردند و چون روزگاری دراز بر ایشان بگذشت، امور جزئی مورد اختلاف را فراموش کردند و فقط مطالب کلی مورد اتفاق در حافظه آنان باقی ماند.¹⁶ همچنین ابوریحان در مقدمه کتاب "صیدله" یا "صیدنه" درباره زبان خوارزمی می‌گوید: «این زبان به هیچ وجه قادر برای بیان مفاهیم علمی نیست، اگر انسان بخواهد مطلبی علمی با این زبان بیان کند، مثل این است که شتری بر ناودان و زرافه در آبراهه آشکار شود.»¹⁷

بنابراین معلوم است که این زبان به غیر از استفاده واژگانی در آثار علمی به زبان‌های دیگر، قابلیت انتقال علمی و دانش پزشکی را به مانند زبان عربی و فارسی دری نداشته است و این زبان جزء زبان‌های بومی و سنتی این منطقه بوده است. آنچه در خوارزم از میان رفته جز یک سلسله آثار ادبی و مذهبی زردشتی که از محتوای این نوع کتب مذهبی آگاهی داریم نبوده و ابوریحان هم بیش از این نگفته است. با این وجود به تعبیر دکتر زهره زرشناس آثار باقیمانده علمی به‌ویژه پزشکی و داروسازی، حاوی بدنه اصلی واژگان موجود زبان خوارزمی می‌باشد.¹⁸ (تصویر ۴)



تصویر ۴. متن خوارزمی.

۱- تأثیر زبانی منطقه ماوراءالنهر و خوارزم در متون علم پزشکی و ادبیات فارسی

از نکات جالب تأثیرپذیری واژگانی از زبان ماوراءالنهر و خوارزم میتوان از دو واژه پزشکی و دارو نام برد. این دو واژه ریشه ماوراءالنهری و خوارزمی دارد، چنانکه «پزشک» واژه‌ای با ریشه هزار ساله میباشد. به باور زبان‌شناسان این واژه از ریشه اوستایی «بش‌زا» (Bachaza) به معنای آسیب زدا یا درمان‌بخش آمده است. در زبان سغدی و فارسی میانه «بزشک» (Bizisk)، در دوران ساسانی به شکل «بسته زینتار» (Baechazintar)، در زبان پهلوی به شکل «بشه زک» (Baechazac) و بعدها با قلب دو واج S و Z و تحول واج b به P به صورت «پزشک» به کار رفته است.¹⁹ در منابع اسطوره‌ای در دوره پادشاهی جمشید، فرزند تهمورث دیوبند، برای نخستین بار، واژه‌های بزشک و پزشکی و درمان و نیز گیاهان دارویی بکار رفته است.²⁰

همچنین کلمه «داروک»، که در فرانسه (Droge) و در آلمانی (Die Droge) است، از نظر ریشه‌شناسی Etimology هم‌ریشه دراک «Drug» است. این واژه که بعدها به صورت «دارو» درآمده نیز یک واژه اوستایی است.²¹

16- Abu'l-Rayhan-al-Biruni, 2007: 57-58.

17- Abu'l-Rayhan-al-Biruni, 2004: 168.

18- Zarshanas, 1996: 53.

19- Zarshanas, 2006: 218.

20- Nadjmabadi, 1992: 1/113.

21- Ibid: 1/245.



از وام‌واژه‌های سغدی در فارسی می‌توان به واژه‌های آغاز، آرمان، ملخ، فغ در فغفور، خاتون، جغد، لائیدن، آسیمه در سر آسیمه، بساک، سنگ‌سار، راع، ستیغ، زیور، برخی، گونیا، کیا، کیانا، تیم، خذوک، نوک، تار و مار، غوک، پل، کشاورز، بت، نمونه، یاهه، بلاد، و فام اشاره کرد. پسوند -کند که در بسیاری از جای‌نام‌های ایرانی دیده می‌شود نیز واژه‌ای سغدی به معنی دهکده و شهر است. این پسوند را در نام شهرهای مانند تاشکند، سمرقند، یارکند، تازه‌کند و چیمکنت و... می‌بینیم. پسوند -کند به همین معنی به زبان‌های ترکی نیز وارد شده است.²²

22- Henning, 1940: 93-106. 23- Kasiri, 2010: 136-7.
24- Elgood, 2007: 36.
25- Frye, 2006: 127.
26- Al-Akhawayini, 1992: 303.

۲- تأثیر دانش پزشکی ماوراءالنهری و خوارزمی بر پزشکی جهانی

یکی از نظریات مهم در سیر تاریخی پزشکی در جهان را باید نظریه طبایع یا مزاج‌های چهارگانه انسان و همانندی آن با عناصر چهارگانه طبیعت یعنی آب، خاک، آتش و هوا دانست که ریشه‌ای اوستایی، ماوراءالنهری و خوارزمی دارد. در متن فارسی میانه بندهش (فصل سیزدهم، بندهای ۱۸۹ به بعد) هر یک از قسمت‌های مختلف بدن به یکی از قسمت‌های جهان تشبیه شده است: پوست چون آسمان، گوشت مانند زمین، استخوان چون کوه، رگ‌ها شبیه رودخانه، خون در تن همانند آب در دریا، موی به سان گیاه و... بعدها این نظریه اصیل ایرانی در مجموعه‌های منتسب به بقراط، پزشک یونانی سده چهارم پیش از میلاد، بار دیگر جلوه گر می‌شود. این امر موید آن است که وجوهی از جهان‌بینی اوستایی از ایران و احتمالاً از هند و بابل به یونان رسیده و ریشه‌های نخستین در دانش پزشکی و به ویژه مایه‌های اصلی طب بقراطی را پدید آورده است.²³ الگود در این باره چنین می‌نویسد:

«به جرات می‌توان گفت که ایرانیان اصول آن چیزی را که طب یونانی نامیده شده، به یونانیان تعلیم داده‌اند. در سال ۷۰۰ پ. م. هیچ گونه اثری از علم و فرهنگ بر یونانیان مشهود نبود. با این حال، ۲۰۰ سال پس از آن، یونانیان چنان در علوم و فنون پیشرفت کرده بودند که بقراط توانست رساله‌هایی در دانش پزشکی به رشته تحریر در آورد و عنوان «پدر طب» را برای خود کسب کند. خیلی بعید به نظر می‌رسد که یونانیان در طی این دو سده روشی را که اکنون به نام روش بقراط مشهور است، خود به خود پدید آورده باشند. حتی خود یونانی‌ها هم فرضیه «طبایع چهارگانه» خود را یک فرضیه بیگانه می‌شناختند و به رسم آن زمان آن را ایرانی می‌نامیدند که البته مقصودشان فقط معرفی بیگانه بودن آن بود.»²⁴

با این پیشینه عمیق علمی در ماوراءالنهر و خوارزم، دانشمندان و پزشکان بسیاری در این خطه علم خیز پا به عرصه وجود نهادند و راه پزشکان و دانشمندان متاخر گمنام قبل از اسلام را ادامه دادند. این تنها با آغاز شکوفایی و رسمیت زبان فارسی دری از سده دهم میلادی در حدود خراسان و فرارود بوده است. این زبان را می‌توان ادامه شاخه‌ای از پارسی میانه، زبان سغدی، زبان خوارزمی بدانیم که ریچارد فرای عقیده دارد که ابو عبدالله جعفر رودکی سمرقندی (۸۵۸-۹۴۱ م) شاعر و ادیب در تغییر خط از خط پهلوی به خط فارسی با کمک خط تحریری عربی نقش داشته است.²⁵ خط و زبان جدید در توسعه علمی و تمدنی ماوراءالنهر و خوارزم در دوره اسلامی بسیار موثر بوده است. در اینجا به ذکر تعدادی از آثار موثر زبان و ادبیات فارسی دری می‌پردازیم که در آن تأثیرپذیری زبان‌های اوستایی، پهلوی، سغدی و خوارزمی بسیار مشهود است:

۲-۱- هدایه المتعلمین فی الطب: از ابوبکر بن ربیع بن احمد الاخوینی البخاری می‌باشد. تاریخ تولد وی مشخص نیست. اخوینی خود را شاگرد یکی از شاگردان رازی می‌داند و اشاره می‌کند: «من شاگرد ابوالقاسم مقانعی ام و نام وی ظاهر بود بن محمدن ابراهیم و شاگرد محمد بن زکریای بود.»²⁶ این اثر قدیمی‌ترین کتاب شناخته شده پزشکی به فارسی است که تأثیر واژگان سغدی در این کتاب بسیار عمیق و قابل مشاهده است. در زمان سامانیان علوم گوناگون



به زبان فارسی نوشته شد. سامانیان بودند که نگارش آثار علمی به زبان فارسی را بنیان‌گذاری کردند و به آن هویت ایرانی دادند و زمینه‌ای ایجاد کردند که بعدها ایرانیان آثار علمی خود را به زبان فارسی بنویسند. جنبه اختراع و ابتکار اخوینی در درمان بیماری‌ها و مسایل طبی نیز دارای اهمیت زیادی می‌باشد. از جمله ده‌ها نوع دارویی که ترکیب کرده به نام خود در کتاب هدایه از آن‌ها نام برده است. بسیاری از این داروها از ریشهٔ زبانی سغدی برخوردار است. برای نمونه حبی برای اوجاع مفاصل گرم و سرد و نفرس که قدر بیست سال جز این حب تجویز نکرده است.²⁷⁻²⁸

۲-۲- الصیدله یا صیدنه: از ابوریحان بیرونی (۹۷۳-۱۰۴۸ م) در اطراف شهر کاث از توابع خوارزم به دنیا آمد. ابوریحان بیرونی در رشته‌های مختلف از جمله دانش طب مهارت داشت و در این زمینه نیز نگاه‌هایی داشت. وی اولین پژوهشگری است که به طور مستقیم به زبان سغدی اشاره نمود و در این کتاب و نیز سایر آثارش از واژگان سغدی و خوارزمی بهره بسیاری برده است.²⁹

۲-۳- دانش نامه میسری: حکیم میسری دانشنامه خود را در مورد علم پزشکی به صورت شعر به زبان فارسی در سال ۳۷۰ ه.ق به پایان برده است. وی در این کتاب به چهل و شش سالگی خود اشاره می‌کند. در دانش‌نامه از زادگاه حکیم میسری ذکر نشده، اما سرزمین خود را ایران نامیده است. چون بیشتر مردم آن زمان فارسی زبان بودند، اثر خود را به زبان فارسی دری سرود تا از اثرش بهتر و بیشتر استفاده کنند که البته در این کتاب می‌توان ریشه‌های کلمات سغدی را ملاحظه نمود. در خراسان و ماوراءالنهر دورهٔ سامانی، ناحیه‌ای که در سال ۹۸۱ م. در ایران بیشتر مردم آن جا فارسی زبان بوده باشند، جز خراسان جای دیگر نمی‌تواند باشد. احتمالاً حکیم میسری از مردم خراسان بوده است. اسلوب سخن و لغات و ترکیباتی که به کار برده است گمان خراسانی یا ماوراءالنهری بودن او را بیشتر می‌کند.³⁰ محتوای کتاب در علم پزشکی عملی است و قدیمی‌ترین کتاب شعر فارسی در طب است که به دست ما رسیده است. حکیم میسری تلاش زیادی کرده داروهایی را به نامی که در کتاب‌های پزشکی آمده است، یاد کند تا کتابش علمی و مطابق روش استادان فن باشد. به خاطر اینکه داروها در نواحی مختلف نام‌های مختلفی داشتند و اگر به نام‌های محلی می‌نامید، ارزش علمی آن کاسته می‌شد.³¹

۲-۴- الانبیه عن حقایق الادویه: به وسیله‌ی موفق‌الدین ابومنصور علی الهروی در زمینهٔ داروسازی تألیف شده است و از قدیمی‌ترین کتاب‌های طب پارسی با بعضی کلمات سغدی می‌باشد. از شرح حال و زندگی وی اطلاعات زیادی در دست نمی‌باشد. فقط نسخهٔ خطی منحصر به فردی از آن به خط علی بن احمد طوسی شاعر معروف ایرانی در کتابخانهٔ وین (اطرایش) موجود است که در سال ۱۰۵۵ م. نوشته است.³² هروی در کتاب خود نام ۵۸۴ دارویی که خواص طبی و دارویی دارند، ذکر کرده و خواص هر یک را شرح داده است.³³

۲-۵- مفاتیح العلوم یا «کلیدهای دانش‌ها»: توسط ابوعبدالله احمد بن محمد بن یوسف خوارزمی در سده‌ی چهارم هجری/دهم میلادی نوشته است. تاریخ دقیق نگارش کتاب مشخص نیست. اما احمد خوارزمی این کتاب را به ابوالحسین عتبی، وزیر نوح دوم سامانی، پیشکش کرده است و چون عتبی میان سال‌های ۹۷۸ تا ۹۸۳ م. وزیر نوح سامانی بوده است تاریخ این نگارش هم در همین میان باید باشد.³⁴ باب سوم این کتاب دارای هشت فصل پزشکی با محتوای پزشکی بوده و با وجودی که به زبان عربی نگارش شده اما می‌توان بعضی اصطلاحات و واژگان خوارزمی و سغدی را در آن پیدا کرد. فصول پزشکی این کتاب عبارتند از:

«الفصل الأول: فی التشریح، الفصل الثانی: فی الأمراض و الأدوية، الفصل الثالث: فی ذکر الأعذیه، الفصل الرابع: فی الأدوية المفردة، الفصل الخامس: فی ذکر أدویه مشتبیه الأسماء، الفصل السادس: فی ذکر الأدوية المركبة، الفصل

- 27- Al-Ahkhawayini, 1992.: 561.
28- Rezaei Bagh-bidi, 1996: 61-64.
29- Yarshater, 1957: 29-30.
30- Hakim Maysari, 1987: 2-3.
31- Ibid: 10.
32- Nadjmabadi, 1992: 2/634-635.
33- Ibid: 2/640.
34- Kharazmi, 1983: 2-3.



السابع: فی أوزان الأطباء و مکایلهم، الفصل الثامن: فی النوادر».³⁵

۲-۶- ذخیره خوارزمشاهی: از سید اسماعیل جرجانی (۱۰۴۰-۱۱۳۷ م) در جرجانیه (گرگانج)، کرانه چپ آمودریا (جیحون) و پایتخت خوارزم چشم به جهان گشود و در مرو در شمال شرقی ایران در گذشت.³⁶⁻³⁷ ذخیره از مهم ترین آثار طبیبی به زبان پارسی می باشد. اهمیت ادبی این کتاب در آن است که بسیاری از لغات و ترکیبات که شایسته استفاده در علم طب هستند، در این کتاب به کار رفته اند و جرجانی با تألیف چنین کتاب عظیم و پرارزشی ثابت کرد که زبان پارسی آماده تألیف مفصل ترین کتاب در علم پزشکی است. شیوه جرجانی در نگارش ذخیره، شیوه عام مؤلفان کتب علمی است جز آنکه جرجانی قید بی مورد در استفاده از کلمات یا اصطلاحات مهجور پارسی در برابر مفردات و ترکیبات عربی نداشته و هر جا زبان رایج زمان ایجاب می کرده به آوردن کلمات یا ترکیبات پارسی دری، خوارزمی و سغدی مبادرت جسته است. ذخیره در دوازده کتاب و شامل جمیع مباحث طب و تشریح و بهداشت و اقربادین است. مؤلف در سرآغاز کتاب شرحی مستوفی درباره خوارزم در دوره امارت قطب الدین محمد بن انوشکین خوارزمشاه به سال ۱۱۱۱ م. و سکونت در آن دیار و شروع به تألیف «ذخیره خوارزمشاهی» به نام آن پادشاه و چگونگی هوای خوارزم و علت فراوانی امراض در آن دیار نوشته است.³⁸⁻³⁹ در صورت بررسی زبان شناسی آثار جرجانی هم می توان به ریشه های زبان فارسی سغدی و خوارزمی رسید، چنانکه در بررسی صورت گرفته از کتاب ذخیره خوارزمشاهی که به فارسی دری نگارش شده، چیزی حدود بیش از پانصد کلمه با ریشه سغدی و خوارزمی مشاهده گردید که نشان از زادگاه واقعی این دانشمند بزرگ و اهمیت زبانی فارسی در آن برهه تاریخی دارد.⁴⁰

نتیجه گیری

بررسی صورت گرفته شده تنها نشانگر گوشه ای از خدمات دانشمندان و پزشکان ایرانی ماوراءالنهر و خوارزم در گسترش و اعتلای فن پزشکی و پیشگامی آنان در صحنه تاریخ پزشکی جهان می باشد که به نظر می رسد جزء قدیمی ترین مکاتب پزشکی در تاریخ جهان می باشد. به جرات می توان گفت که بخش عظیمی از دانش برتر و پیشرفته این زمان در فن پزشکی مدیون کوشش ها و تلاش های آغازین پزشکان ایرانی ماوراءالنهر و خوارزم است. چنان که به گمان الگود: «پزشکی ایران، در تاریخ پزشکی دنیا، بزرگترین سهم را دارا بوده است.»

پیشینه باستانی دانش در ماوراءالنهر و خوارزم با ادبیات پزشکی باقیمانده از متون اوستایی، سغدی، خوارزمی، در نهایت به فارسی دری و زبان عربی منتقل شده است. در کنار زبان دینی زرتشتی، بودایی، مانوی و مسیحیت بازتابی از اصطلاحات علمی، فلسفی و پزشکی در ماوراءالنهر و آسیای میانه رخ نمایی نموده است. مملو بودن این متون از اصطلاحات فلسفی و دشواری در امر ترجمه، سبب ایجاد پیچیدگی هایی در درک آن از سوی مترجمان شده و به سبب آن شاهد بیان و اصالت متن نیستیم. البته باید اذعان داشت که زبان سغدی و تا اندازه ای اندک زبان خوارزمی تا قرن ها قبل از اسلام در ماوراءالنهر و خوارزم در آسیای میانه، قابلیت انتقال علوم مذهبی و غیر مذهبی به ویژه دانش پزشکی را داشته است و حتی پیش از زبان پهلوی زبان دولتی ساسانیان و اشکانیان، به مدت چندین قرن جایگاه اصلی را داشته است که متأسفانه تنها دو دست نوشته پزشکی از چندین قرن تجربه علمی زبان و ادبیات سغدی بدست آمده است. زبان سغدی در برابر نفوذ زبان فارسی و ترکی به تدریج از میان رفت. ظاهراً این زبان تا قرن ششم هجری نیز باقی بوده است. امروز تنها اثر رایجی که از زبان سغدی بیجا مانده لهجه مردم یغتاب است که در یکی از دره های رود زرفشان در شمال تاجیکستان بدان سخن می گویند و بازمانده یکی از لهجات سغدی است. امیدواریم که با ادامه کشفیات باستان شناسی و ترجمه آثاری که به زبان سغدی وجود دارد، تجربیات ملل متمدن سغدی را به مانند ادبیات اوستایی در

35- Kharazmi, 2008: 149-168.

36- Khaledpoor, 1996: 510-512.

37- Golshani, 2014: 70-71.

38- Safa, 2000: 2/944-947.

39- Eqbal Ashtiani, Pirnia, 2000:

390.

40- Rahimi Fatmeh Sari, 2014: 98.



تاریخ جهان پزشکی بدست آوریم.

سپاسگزاری

این مقاله بر گرفته از رساله دکترای تاریخ ایران بعد از اسلام با عنوان «بررسی تحولات علم پزشکی در ماوراءالنهر از سده سوم تا پایان سده نهم هجری قمری» در گروه تاریخ و دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی در دانشگاه فردوسی مشهد، از نویسنده نخست و استاد راهنمایی نویسنده دوم و اساتید مشاور نویسنده سوم و چهارم می باشد. در اینجا جا دارد تا از حمایت های این اساتید گرامی کمال تشکر و قدردانی را نمایم.

References

- Abu'l-Rayhan-al-Biruni. [*Kitab al saydana fi'l-tibb*]. Translator Mozafarzade B. Tehran: Academy of Persian Language and Literature, 2004. [in Persian]
- Abu'l-Rayhan-al-Biruni. [*Kitāb al-āthār al-bāqiyah 'an al-qurūn al-khāliyah*]. Translator Danaseresht A. Tehran: Amirkabir, 2007. [in Persian]
- Abulghassemi M. *A History of the persian Language*. Tehran: Samt Press, 2006. [In Persian]
- Al-Akhawayini al-Bukhari A. [*Hidayat-al-Myta'allimini fi l-ttib*]. Correction Matini J. Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad, 1992.
- Andreas. F.C. –W.B. Henning, *Mitteliranische Manichäica, III. Sitzungsberichte der preussischen Akademie der Wissenschaften*, Berlin, 1934.
- Borjian H. Sogdian culture. *Journal of iran-shenakht*. 1998; 9(3): 338-343.
- Dehghan M. *Introducing Six Sogdian Texts. Moon book History and geography*, 2002; 6(54,55): 132-135.
- Doostkhah J. *Avesta: the ancient Iranian hymns & texts*. Vol 1,2. Tehran: Morvarid, 1992. [In Persian]
- Elgood CL. *A medical history of Persia and the Eastern Caliphate*. Translator Fergani B. Tehran: Amirkabir, 2007. [In Persian]
- Eqbal Ashtiani A, Pirnia H. *History of Persia*. Vol 2. Tehran: Kayam Press, 2000. [in Persian]
- Frye, Richard N. *The Cambridge history of Iran from the Arab invasion to the saljugs*. Vol 4. Tehran: Amirkabir, 2006. [In Persian]
- Gharib B. Sogdians and the Silk Road. *Journal of Iran-Shenakht*. 1997; 5(2): 281-246.
- Golshani S A. Sayyed Ismael Jorjani, The famous Iranian physician and philosopher. *Hakim Jorjani J*. 2014; 2 (2): 71-69.
- Hakim Maysari. [*Daneshnameh dar Elme Pezeshki*]. Correction Zanjani B. Tehran: Tehran University Press, 1987.



[In Persian]

Henning WB. *Sogdian Loan-words in New Persian*. Bulletin of the School of Oriental and African Studies 1940; 10(1): 93 – 106.

Henning WB. *Sogdian Tales*. Bulletin of the school of oriental and studies 1945; 11(3): 465-487.

Kasiri M. A Review on the Reasons of Enterance of Iranian Traditional Medical Thoughts to Greece. *History of Medicine Journal*. 2010; 2(2): 121-143.

Khaledpoor S. Zakhireye Khwarazmshahi From Esmail Gorgani, known as Jarjani (Science in Iran). *Journal of Iranology*. 1996; 8(3): 69-71.

Kharazmi M. [*Tardjumih mafatih al-ulum*]. Correction Khedive Jam H. Tehran: Elmi-Farhangi, 1983. [In Persian]

Muhammad Kharazmi. [*Mafatih al-ulum*]. Correction Aasam A. Beirut: Dar al-Manhel, 2008. [In Arabian]

Nadjmabadi M, *Histoire de la Medecine en Iran*. Vol 1,2. Tehran: Tehran University Press, 1992. [In Persian]

Rahimi Fatmeh Sari N. *Language Features of Zakhir-eye Khwarazmshahi* [dissertation]. Supervisor Rezayati Kishekhaleh M. Advisor Razey A. Master's thesis of Persian language and literature, Faculty of Letters and Humanities of the University of Guilan; 2014.

Rasuli S. *Silk Road Religions According to Sogdian texts*. [dissertation]. Supervisor Zarshenas Z. Advisor Mojtabayi F. Institute for Humanities and Cultural Studies. Institute of Linguistics. Ph.D. thesis, 2010.

Razi H. *Vendidad [Vidaevo data]: Avesta text, introduction with Pahlavi comparison*. Tehran: Fekr-Rooz, 1997. [In Persian]

Razi H. [*Avesta: Gthaha, Yasna, Yashtha, Visparad, Khord-e-Avesta*]. Tehran: Bahjat, 2000. [In Persian]

Rezaei Bagh-bidi H. Four Sogdian words in Hidayat al-Muta'allem in Fi al-Tibb. *Journal of Nameh-Farhangestan*, 1996; 7(3): 61-64.

Safa Z. *A history of Iranian literature*. Vol 2, Tehran: Ferdows Press, 2000. [in Persian]

Yarshater E. *Iranian dialects and languages*. Faculty of Letters and Humanities of the University of Tehran 1957; 5(1,2): 11-48.

Zarshanas Z. Kharazmi language. *Letter of the Academy*. 1996; 2(1): 53-65.

Zarshanas Z. *language and literature in ancient Iran*. Tehran: Iran Cultural Studies, 2003. [In Persian]

Zarshanas Z. *Sogdian Handbook (Recipients, Selected Stories, Glossaries)*. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies, 2011.



Zarshenas Z. *Woman and word Talk about women and Sogdian language*. Tehran: Forouhar Press, 2006.

Zarshenas Z & Asgari L. *Khatun Ergi's letter and One hundred and nineteen pieces of paper Sogdian*. Tehran: Academy of Persian Language and Literature, 2009. [In Persian]

